

عقلانیت جاری بر تربیت متعالی در حدیث «جنود عقل و جهل»^۱

سیدامیر سخاوتیان

استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. sekhavatian@bou.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی عقلانیت جاری بر تربیت متعالی، در حدیث «جنود عقل و جهل» است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که براساس حدیث جنود عقل و جهل، عقلانیت در فرآیند تربیت متعالی دارای ویژگی‌هایی است که حاصل این ویژگی‌ها، شرافت عقل و تجلی فعلی خدای متعال در فرآیند تربیت می‌باشد. در مقابل آن جهل قرار دارد که مهم‌ترین ویژگی آن مانعیت برای عقل در این فرآیند است. هنگامی که عقلانیت در تربیت متعالی سریان یافت، شاخص‌هایی برای سنجش دارد که اوج این شاخص‌ها حکمت‌بنیان بودن اینگونه از تربیت است و برای بشر و جامعه بشری نتایجی همانند ایجاد شرافت، گرایش به کمال، داعی عدل و احسان و در نهایت کنترل قوای واهمه، غضبیه و شهویه توسط عقل در مسیر تربیت است.

کلیدواژه‌ها: تربیت متعالی، عقلانیت، عقل، جهل، حدیث «جنود عقل و جهل».

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۹؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۱۰/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۱/۱۰/۱۵

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت تابع نوع نگاه و مبانی پذیرفته شده در سطح بنیادین آن است و دین مبین اسلام با توجه به مبانی توحیدی خود، در این زمینه دارای دیدگاه خاصی بوده که می‌تواند از سطح مبنا تا بنای تربیت متعالی را در برگرفته و نوع سیر از آرخه تا تخته را ارائه دهد. نسبت تربیت متعالی با مبانی و بنیان‌های فکری هم دارای ضرورت و هم اهمیت است. از آن جهت که نبود آن سبب دنائت تربیتی شده، ضرورت آن بروز می‌یابد و از آن جهت که انسان در انتخاب بین تربیت سکولار معاصر و تعالی تربیتی اسلامی، براساس حس سعادت جویی، تربیت متعالی را برمی‌گزیند، اهمیت آن نمایان می‌گردد.

از سوی دیگر، بین تربیت و تعلیم نیز ارتباط وثیقی وجود دارد. لذا، تربیت متعالی مبتنی بر تعلیم متعالی بوده و تعلیم تربیت متعالی نیز اهمیت می‌یابد. ثمره تربیت متعالی و همچنین تعلیم تربیت متعالی در نظام آموزشی از سطح فردی فراتر رفته و در سطح اجتماعی به بالندگی می‌رسد؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی بوده و همه افعال فردی و اجتماعی او در سطح اجتماعی مؤثر است. در نتیجه تحول فرد در اثر تربیت، سبب تحول جامعه گردد. از این رو، رشد یافته و از سطح فرشتگان نیز فراتر می‌رود. از ویژگی‌های مهم نظام تعلیم و تربیت اسلامی در سطح مبانی می‌توان به توحید محوری، و انسان‌شناسی الهی اشاره نمود که دارای شمول و جامعیت، هدایت‌گری، و خردپروری است (هاشمی دولابی و رجائی، ۱۳۹۹).

خردپروری در تعلیم و تربیت متعالی، مبتنی بر عقلانیت بوده و عقلانیت نیز تابع مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است. سطح مبانی، رویکرد و جهت عقلانیت را مشخص می‌سازد، سطح اصول، قواعد و دکترین پیش روی عقلانیت را تعیین می‌نماید. مؤلفه‌ها سبب تحقق عقلانیت در جامعه شده و شاخص‌ها، میزان تحقق این مؤلفه‌ها را به سنجه می‌آورند. یکی از مهم‌ترین منابع معرفتی برای شناخت مبانی، اصول، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در اندیشه اسلامی سنت و حدیث است. در حدیث جنود عقل و جهل، مؤلفه‌های بسیاری از عقلانیت موجود در فرآیند تربیت متعالی بیان شده است. این مؤلفه‌ها تابع یک اصل و آموزه هستند که به «آموزه اقبال و ادبار» نام‌گذاری می‌گردد. با توجه به این مقدمه کوتاه، ضرورت دارد که ابعاد تربیت متعالی در حدیث جنود عقل و جهل مورد بررسی واقع شود. لذا، با موضوع سریان این عقلانیت در تربیت متعالی، نخستین گام از مجموعه پژوهش‌های «آموزه اقبال و ادبار» مورد بررسی واقع می‌گردد. پژوهش حاضر، اطلاعات را به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری کرده و به صورت توصیفی-تحلیلی بررسی می‌نماید. شایان ذکر است که در این پژوهش به جنود عقل و جهل که در حقیقت مؤلفه‌های آن هستند، پرداخته نخواهد شد، بلکه صرفاً به ویژگی‌های عقل در فرآیند تربیت متعالی پرداخته شده و پرداختن به مؤلفه‌های آن به پژوهش‌های آینده سپرده می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی عقلانیت

واژه عقلانیت در لغت مشتق از عقل به معنای فهمیدن، دریافت کردن و در مقابل جهل است (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۸۰) و در اصطلاح، کاربردهای مختلفی دارد. نخستین کاربرد آن، قرار گرفتن وصف باورها همانند اینکه باور به یک گزاره عاقلانه است و آن گزاره به عقلانیت یا عاقلانه بودن متّصف می‌شود. کاربرد دیگر عقلانیت، اتصاف افعال و رفتار به آن است. مثلاً گفته می‌شود فلان فعل عاقلانه است. در نهایت سومین کاربرد عقلانیت در اصطلاح، اتصاف ارزش‌ها به آن است. به عنوان مثال گفته می‌شود این یا آن ارزش، عاقلانه است (قائم‌نیا، ۱۳۸۳، ص ۴). با توجه به این کاربردها، پرسش اساسی این است که «عقلانیت چیست؟». اما با دقت در همه کاربردها، می‌توان آن را با یک قدر جامع، یعنی روش ادراک واقعیت - اعم از نظری یا عملی - با روش عقلی را «عقلانیت» گفت.

فلاسفه در ارزیابی باورها، تصمیمات و گزاره‌ها از آن تعبیر به «عقلانیت نظری»^۱، در ارزیابی حوزه عملی از آن تعبیر به «عقلانیت عملی»^۲ و در حوزه ارزش‌ها، از آن تعبیر به «عقلانیت ارزش‌شناختی»^۳ می‌نمایند (همان). عقلانیت دارای مراتبی است که عبارتند از: عقل بالقول، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل مستفاد (طباطبایی، ۱۴۲۲ق، ص ۳۰۶). انسان در مرتبه عقل بالقوه، توانایی تعقل دارد، اما تعقل نمی‌کند. در مرتبه عقل بالملکه، توانایی درک و فهم ابتدائیات را می‌یابد. در مرتبه عقل بالفعل، به تلاش برای فهم، استدلال و برهان می‌پردازد. همین انسان در مرتبه عقل مستفاد، علاوه بر عقل نظری، عقل عملی قوه عمّاله‌اش نیز رشد می‌یابد. در این مرتبه اگر به لحاظ عملی عاقلانه رفتار نکند، سفیه نامیده می‌شود (پارسانیا، ۱۴۰۱، ص ۴۶-۴۹). در عقل مستفاد، تمام قوا و استعدادهای قوه عاقله به فعلیت می‌رسند و هیچ حالت منتظره‌ای در آن نیست، بلکه تمام معقولات نزد او حاضرند (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۳۵۳).

هر چهار مرتبه عقل در تربیت متعالی ظهور دارد. در مرتبه عقل بالقوه، متربی بالقوه آماده تعالی است. در مرتبه بعد، ملکه تعالی تربیتی در او ایجاد شده و در مرتبه بعد نیز فعلیت می‌یابد. اما آنچه که واقعاً متصف به تعالی تربیتی عینیت یافته می‌شود، مرتبه عقل مستفاد است که همه ابعاد و لوازم نظری و عملی آن نزد انسان حاضر شده و به یک انسان کامل متعالی تبدیل می‌گردد.

1. Theoretical rationality
2. Practical rationality
3. Axiological rationality

۳. ویژگی‌های عقلانیت در تربیت متعالی

حدیث جنود عقل و جهل، حدیث اخلاقی از امام صادق (ع) در تشریح چگونگی آفرینش عقل و جهل و همچنین سپاهیان هرکدام از آن دو است. این حدیث در بردارنده بسیاری از فضائل و رذائل اخلاقی است. عقل در فرآیند تربیت متعالی، دارای جایگاه خاص و صفات خاص است که مهم‌ترین آنها براساس حدیث جنود عقل و جهل عبارتند از:

۱-۳. خلقت عقل

عقل مخلوق خدای متعال بوده و در حدیث مذکور آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۹؛ ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۴). براساس عبارت مذکور، عقل مخلوق است. براساس مبانی فلسفی، عقل یکی از مراتب عالم وجود می‌باشد که نحوه ادراک در آن، در کامل‌ترین حالت قرار دارد. لذا، اتصاف آن به مخلوق بودن نیازمند امعان نظر است. در اینجا دو احتمال وجود دارد:

۱) حقیقت عقلیه در برابر عالم امر

نخستین احتمال آن است که تعبیر به مخلوق بودن عقل در این روایت، اشاره به حقیقت عقلیه باشد که در برابر امر بوده و از تنزلات می‌گردد (امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۲۴). عالم امر عبارت از فیض منبسط و نفس رحمانی حق تعالی است و وجودی مطلق دارد و تقدی و تعین در آن راه ندارد. لذا، نمی‌توان به عالم امر نسبت مخلوق بودن داد. شاید اینکه خدای متعال در قرآن کریم فرموده است: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ» (اعراف، ۵۴)، اشاره به همین دو عالم یعنی خلق و امر باشد.

براساس این احتمال، تربیت متعالی با توجه به ابعاد تشریحی آن، نوعی مخلوق تشریحی است که ریشه در مخلوق تکوینی متعالی یعنی عقل دارد که اوج ادراک بوده و همه ابعاد نظری و عملی تربیت متعالی در آن ظهور و تحقق دارد و انسانی که در این موقعیت قرار گیرد، کامل مکمل می‌گردد و علاوه بر اینکه خود در اوج تربیت است، می‌تواند دیگران را نیز به سوی کمال هدایت و راهنمایی نماید.

۲) ظهور تام

براساس این حدیث، خدای متعال عقل را خلق نموده و به این شکل از آن تعبیر شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ» (همان). به عبارتی، عقل مخلوق خدای متعال بوده و اضافه این خلقت به اسم «الله» که اسم اعظم و جامع حق تعالی است، شاید اشاره به آن باشد که تجلی حق تعالی در عالم عقل، تجلی به جمیع شئون است (امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۲۹).

با این احتمال، تربیت متعالی نوعی از تربیت است که سبب ادراک و شهود حق تعالی در عالم عقل توسط مرتبی می‌گردد؛ زیرا خدای متعال در این عالم تجلی تام دارد و مرتبی که سیر تربیت متعالی را طی کرده و توانسته است در این موقعیت قرار گیرد، می‌تواند تجلی تام خدای متعال را شهود و ادراک نماید. این مرتبی که فرآیند تربیت متعالی عقلانی را طی کرده است، یک انسان کامل و مکمل شده و توانایی دستگیری و تربیت انسان‌های دیگر به سوی تعالی را دارد.

۲-۳. اولین مخلوق از روحانین

دومین ویژگی عقل که از این حدیث فهمیده می‌شود، این است که عقل نخستین مخلوق از روحانین می‌باشد. در این روایت آمده است: «وَهُوَ أَوَّلُ خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۹؛ ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۴). در نظام خلقت، غیر روحانین بعد از روحانین خلقت یافته‌اند. لذا، موجودات روحانی در فرآیند خلقت بر غیرروحانی تقدم دارند. در بین آنان عقل اولین موجودی است که خلق شده است. سعه وجود او نسبت به سایر موجودات روحانی، اتم و اکمل است. در نتیجه ادراکات او نیز نسبت به همه موجودات دیگر - اعم از روحانی و غیرروحانی - اتم و اکمل بوده و می‌تواند مصالح و مفاسد انسان در مسیر تربیت را بدون هر نوع شائبه ادراک و اظهار نماید.

با این بیان، انسانی می‌تواند این اظهار عقل را ادراک نماید که در مرتبه روحانیت عقلانی باشد. لذا، در فرآیند تربیت متعالی، مرتبی حقیقی در مرتبه عقلانیت متعالی بوده و ادراکات خود را به مرتبی انتقال می‌دهد. به عبارتی، مرتبی خود یک انسان کامل و مکمل است. در صورتی که مرتبی کامل مکمل نباشد، ضرورت دارد که به یک مرتبی کامل مکمل متصل گردد. در این صورت، زنجیره طولی از مریبان شکل خواهد گرفت که نسبت به مافوق خود، مرتبی و نسبت به مادون خود مرتبی است.

۳-۳. خلقت از یمین عرش

در ادامه حدیث آمده است: «عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۹؛ ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۴). عبارت مذکور جار و مجرور بوده و نیازمند متعلق است. در اینجا سه احتمال برای متعلق آن وجود دارد که با هر یک از آنان معنای عبارت تغییر خواهد نمود:

۱) متعلق اول: خلق العقل

خدای متعال عقل را از یمین عرش خلق نموده، که در این صورت بیانگر محل صدور و خلقت عقل است.

۲) متعلق دوم: اول خلق

در این صورت عقل، اول خلق از یمین عرش خواهد شد. به عبارتی، ممکن است که مخلوقات دیگری نیز

قبل از عقل خلق شده باشند، اما عقل اولین موجودی بوده که از یمین عرش خلق شده است.

۲) متعلق سوم: روحانین

عقل اولین خلق از روحانین است. یعنی اولین خلق از روحانینی است که از یمین عرش خلق شده‌اند. لذا، امکان دارد که روحانین دیگر، از جای دیگر عرش نیز خلق شده باشند، اما اولین خلق از روحانین یمین عرش، عقل است (امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۳۰-۳۱).

معانی دوم و سوم، برخلاف آن چیزی است که در صفت قبل بیان شد و معنای اول بر طبق آن چیزی است که عقل را در مرتبه ادراک تام قرار داده و می‌تواند راهگشای تربیت متعالی باشد. امام خمینی نیز در شرح حدیث جنود عقل و جهل براساس قرائن عرفان نظری و همچنین نکات ادبی، معنای اول را می‌پذیرند (امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۳۰).

۳-۴. تجلی فعلی حق تعالی

در ادامه روایت آمده است: «مِنْ نُورِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۹؛ ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۴). یعنی خدای متعال، عقل را از یمین عرش و آن هم از نور خودش خلق نموده است. با توجه به مبانی عرفانی و فلسفی که در عرفان نظری و حکمت اشراق بیان می‌گردد، نور در حقیقت، حیثیت وجودی دارد (یزدان‌پناه، ۱۳۸۹، ص ۸۴) و با توجه به شواهد موجود در روایت که سخن از خلقت دارد، این حیث وجودی نور، به نوعی تجلی فعلی خدای متعال خواهد شد. اگر نور به تجلی ذاتی حق تعالی حمل گردد، به معنای غایت توحید و تجرید است.

در هر دو حال، خواه حمل ذاتی و خواه حمل فعلی باشد، تربیت انسان در ساختار تعالی، انسان را به شهود حق تعالی خواهد رساند و او را نه تنها انسانی خداگرا، بلکه انسانی می‌سازد که تجلی صفات نوریه حق تعالی خواهد ساخت که حیث وجودی و حیات‌بخشی دارد. لذا، سبب سرسبزی در جامعه شده و به همگان نشاط و حیات می‌بخشد.

۳-۵. اولین تجلی فیض منبسط الهی

«وجود منبسط»، اصطلاحی عرفانی- فلسفی و به معنای وجود عام گسترده است (سجادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۱۲۲). برخی معتقدند با وجود آنکه ابن عربی از پیشگامان مکتب وحدت شخصی وجود است، ولی بنیان‌گذار آن محسوب نمی‌شود و این بحث پیش از وی مطرح بوده است (ابراهیمی دینانی، ۱۳۷۷، ص ۳۱). این اندیشه ریشه در وحدت شخصیه دارد. تمامی صفات خاصی که به موجودات و مظاهر متعین خارجی نسبت داده می‌شود، از جهت وجود یا کمال وجودی به آن وجود عام منبسط استناد

می‌یابد؛ اما از جهت سلبی و نقضی از آن نفی می‌شود. لذا، همه خیرات به فیض الهی و نور هستی او باز می‌گردد و فیض الهی منزّه از نقائص و کاستی‌ها است و کاستی‌ها به ماهیت اشیاء و حیثیت ذاتی آنها باز می‌گردد (جوادی آملی، ۱۳۸۲، ج ۱۰، ص ۲۲۵).

خلق عقل از نور منبسط و اضافه اشراقیه است (امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۳۲). با کمی دقت مشخص می‌گردد که همه عالم وجود اعم از موجودات مادی و مجرد، همه و همه، مخلوق خدای متعال بوده، سعه وجود داشته و تجلی اشراقی حق تعالی می‌باشند. اما با توجه به مضمون آنچه که تاکنون بیان شد، اتصاف عقل به این خلقت، بیانگر اهمیت و جایگاه آن است؛ زیرا عالم عقل جلوه تام این نورانیت بوده و اولین تجلی فیض منبسط حق تعالی است که حیات از دل این فیض منبسط پدید می‌آید.

فرآیند تربیت، اگر برخاسته از ادراک تام عقل باشد، مرتبی را در مجرای فیض تام منبسط قرار می‌دهد و او را به یک نور متجلی از خدای متعال تبدیل می‌سازد. حاصل آنکه این فرد، در عالم عقلی سکنی گزیده و از زرق نورانی، طاهر و مطهر آن عالم بهره‌مند می‌گردد. در اینجا است که مدینه فاضله را به چشم دل مشاهده می‌نماید و آمال‌های فطری انسانی را با تمام وجود تحقق یافته می‌یابد.

۴. ویژگی‌های جهالت در تعارض با عقلانیت در تربیت متعالی

در نقطه مقابل عقل، جهل است. جهل در لغت به معنای نادانی بوده (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۵۴۷) و هرگاه فرد علی‌رغم جهل خود، تصور علم نماید، پدیده‌ای به نام جهل مرکب پدید می‌آید (مظفر، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵). باورها و اعمال ناشی از جهل که غالباً جهل مرکب هستند، در اصطلاح، جهالت نامیده می‌شوند. در فرآیند تربیت انسان‌ها خصوصاً روش‌های تجربی که برخاسته از ظن است، نوعی از جهل مرکب مخفی وجود دارد و با آزمایش و خطا - حتی به صورت احتمال - با ظن خود معامله یقین نموده و از حیث احتمالی آن غفلت می‌کنند. لذا، جهل مرکب نسبت به یقین پدید خواهد آمد. جهالت هم از بُعد نظری و هم از بُعد عملی، ویژگی‌هایی دارد که عبارتند از:

۱-۴. تراخی در تحقق و وجود

با توجه به متن حدیث، حقیقت جهلیه پس از حقیقت عقلیه خلق شد و این تراخی را از متن روایت و از عبارت «ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاجِ الظُّلْمَانِي» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۹؛ ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۴) فهمیده می‌شود؛ زیرا واژه «ثم» دلالت بر تراخی دارد. تراخی خلقت جهل از خلقت عقل، دلالت بر آن دارد که از بُعد تقدم و با کمی تسامح در تعبیر می‌توان بیان نمود که زمانی بود که عقل وجود داشت و جهل نبود. از این تقدم و تأخر فهمیده می‌شود:

۱) شرافت عقل بر جهل

اگرچه این یک تعبیر تسامحی است، اما با دقت در چینش عالم هستی، حکایت از شدت وجودی در اعلی مراتب عقل دارد که نافی جهل بوده و جهل در آن مرتبه راه ندارد. اما با سیر در مسیر نزول، شدت وجودی عقل کاسته شده و در مرتبه از وجود، به علت نقصان ایجاد شده، جهل خلق می‌گردد. پس جهل، اگرچه در تضاد با عقل است، هرگز در مرتبه عقل قرار ندارد و عقل هم از نظر شرافت و هم از نظر خلقت بر جهل برتری دارد.

۲) تقدم خلقت عقل کلی بر جهل

نکته دیگری که از این تقدم فهمیده می‌شود، با توجه به متن روایت که پس از بیان خلقت عقل کلی، به بیان عقول جزئی می‌پردازد، و در کنار عقول جزئی، جهل جزئی نیز بیان می‌گردد، حکایت از آن دارد که جهل کلی پس از عقل و قبل از عقول جزئی خلق شده است و در سیر نزول، جهل جزئی نیز قدرت یافته و نسبت به تربیت متعالی انسان رهن می‌گردد. به عبارتی، عقل دارای اقتضای تعالی است، اما جهل جزئی مانع از آن می‌گردد.

در تربیت متعالی باید این دو نکته را به خوبی در نظر داشت؛ اول آنکه عقل بر جهل شرافت دارد و دیگر آنکه عقل مقتضای تعالی و جهل مانع آن است. لذا، برای رسیدن به مطلوب تربیت متعالی، ضمن تقویت ادراکات عقلی، از وهم جهل نیز باید دوری جست تا موانع تعالی از بین بروند.

۲-۴. وجود جمعی محدود

در حدیث جنود عقل و جهل آمده است: «ثُمَّ خَلَقَ الْجَهْلَ مِنَ الْبَحْرِ الْأَجَاغِ الظُّلْمَانِي» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۸۹؛ ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۱۴). حقیقت جهل برخاسته از بحر است و شاید اشاره به نفس کل دارد که از آن تعبیر به بحر شده و وجه شبه آن نیز در وجود جمعی محدود است. در نتیجه در آن کثرت راه یافته و این کثرت مبداء فاعلی برای پیدایش جهل می‌گردد (امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۳۴). کثرت سبب وهم بوده و حاصل آن نیز ایجاد شرک در سطوح مختلف اعم از شرک خفی و شرک جلی است.

آنچه در فرآیند تربیت متعالی سبب انحراف از مسیر شده و رهن تربیت انسان متعالی می‌گردد، اسارت در کثرات وهمی دنیا است. هرگاه وهم به کنترل عقل درآید، می‌تواند مسیر تعالی خود را بیابد. در غیر این صورت، وهم کثرت را زینت داده و مانع از ادراک لذات نوری می‌شود. در نتیجه انسان در کثرات ظلمانی اسیر می‌گردد. به عبارتی، مأموریت و غایت تربیت متعالی، گسستن این بند و روشن نمودن دنیای

ظلمانی کثرت به نور عقل و مدیریت وهم توسط عقل است.

۳-۴. تحرک شهوت و غضب

نفس (به معنای اعم) از نظر فیلسوفان امری بسیط است که در عین بساطت و وحدتی که از آن انتزاع می‌شود، مجموعه‌ای از توانایی‌ها را دارد که از آن با عنوان «قوای نفس» نام برده‌اند. بدین ترتیب، وجود قوای متعدّد نفس با بساطت و وحدت آن، ناسازگار نیست؛ چراکه این کثرت قوا از مراتب گوناگون نفس بسیط آدمی انتزاع می‌شود و این شکلی از وحدت در عین کثرت است (صدرالمتألهین، ۱۹۸۱م، ج ۸، ص ۱۴۹). قوای عاقله، شهویه، غضبیه و وهمیه (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۴۶) از مجموعه قوای نفس انسان هستند که وجود آنان برای حیات انسان ضرورت دارد. البته قوه غضبیه، وهمیه و شهویه با مرتبه حیوانی نفس آدمی و قوه عاقله، به مرتبه عالی نفس آدمی ارتباط دارد. در صورتی که مدیریت و سلطنت بر غضب، شهوت و وهم بر عهده قوه عاقله باشد، این قوا حد اعتدال را حفظ کرده و سبب سعادت انسان می‌گردند.

جهل در فرآیند تزیین کثرات دانی دنیا، مانع و رهن مدیریتی و سلطنت عقل بر قوای غضبیه، وهمیه و شهویه شده و سبب تحریک آنان و خروجشان از حد اعتدال می‌گردد. در چنین شرایطی افراط و تفریط در هر یک از این قوا رواج یافته و مانع تربیت انسان متعالی می‌شوند. در تحلیل شقاوت‌ها و جنگ‌های بشر، خروج این سه قوه از حد اعتدال و تبعیت آنان از جهل به وفور دیده می‌شود. از این رو، غایت میانی تربیت متعالی، ایجاد سلطنت و مدیریت قوای مذکور توسط عقل و ایجاد رفتار عاقلانه در متریان است.

۴-۴. تحرک قوه شیطنت

جهل از بحر اجاج ظلمانی خلق شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۱) و تعبیر ظلمانی اشاره به گمراهی و گمراه‌کنندگی آن دارد. به عبارتی، جهل هم گمراه است و هم سبب گمراهی دیگران می‌گردد. نتیجه گمراهی نیز تقویت شیطنت بوده که از خواص قوه وهم می‌باشد. در حقیقت وهم کل اساس همه شیطنت‌ها است که اوهام جزئی، شیطنت خود را از آن دریافت می‌نمایند. لذا، شیطنت از خواص آنان است.

قوه وهم، توانایی زینت‌بخشی به اشیاء را دارد. در صورتی که به درستی هدایت گردد، مسیر حق را زینت می‌بخشد و برای متری جاذبه حرکت در مسیر تربیت و تعالی را ایجاد می‌کند. اما اگر به درستی هدایت نگردد و مدیریت آن در دست جهل باشد، اوصاف دانی دنیا را زینت می‌دهد. چنانچه خدای متعال این زینت را به شیطان نسبت داده و می‌فرماید: «وَإِذْ زَيَّنَّا لَهُمُ الشَّيْطَانَ أَعْمَالَهُمْ» (انفال، ۴۸). شیطان به

کمک قوه وهمیه، اعمال مشرکان را زینت داده و قوه شیطنت را تحریک می‌نماید. هنگامی که قوه شیطنت با قوه عقلانیت مواجه گردد، در اینجا پدیده جهاد اکبر متولد می‌شود.

تربیت متعالی در برابر قوه شیطنت دو کار مهم را بر عهده دارد؛ نخست تبیین مرزهای عقل و جهل برای متریبان توسط مربیان؛ دوم حضور فعال در عرصه مواجهه عقل و جهل. اما برای این مواجهه فعال، نیازمند شناخت سربازان عقل و جهل، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آنان است که بیان هر یک از آنان از دامنه این نوشتار خارج بوده و به تحقیقات آینده سپرده می‌شود.

۵. تربیت متعالی و شاخص‌های تربیت انسان متعالی

حقیقت و غایت تربیت متعالی، تربیت انسان متعالی بوده که عقل مستفاد آن فعلیت یافته است. این انسان دارای شاخص‌هایی است که اگر تحقق یابند، عقلانیت او کامل است و در صورتی که این تحقق دچار نقصان گردد، به همان میزان نیز عقلانیت انسان دچار نقصان است. این شاخص‌ها عبارتند از:

۵-۱. سیطره عقل بر شهوت

شهوت یکی از نعمت‌های الهی است که سبب بقاء نسل بشر و همچنین ایجاد پیوند اجتماعی می‌شود. اما گاهی این نعمت الهی دچار افراط و تفریط شده و از مسیر عقلایی خارج می‌گردد. افراط در قوه شهوت، یعنی عقل انسان مقهور شهوت شده و همت فرد مصروف تمتع از جنس مخالف گردد و از پیمودن راه آخرت محروم شود. البته گاهی شهوت فراتر از آن رفته و به پست و مقام نیز تعلق می‌گیرد. حاصل افراد در قوه شهوت این است که دین مقهور هوی شده و انسان به ارتکاب فحشاء و منکر در سطح شهوت جنسی و به هزاران نیرنگ در سطح شهوت‌های دیگر گرفتار می‌شود. از این رو، در شهوت جنسی، گاهی به فسق حیوانی یا به دروغ و فریب مردم در شهوت سیاسی که مولود تسلط شهوت بر عقل است، منتهی می‌گردد و در این صورت قوه واهمه عقل را تسخیر کرده در اختیار قوه شهوت قرار می‌دهد. بزرگ‌ترین شهوت، میل مرد به زنان است و برای پرهیز از حد افراط آن لازم است به این ترتیب که از نگاه کردن مکرر و فکر درباره آنچه در اولین نگاه دیده می‌شود، پرهیز شود، قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ» (نور، ۳۱).

گروهی دیگر نیز راه تفریط و رهبانیت در پیش گرفتند. در نگاه آنان، برای برحذر ماندن از گناه باید از قوه شهوت دوری جست و آن را طرد نمود. این گروه نوعی از رهبانیت را برای خود برمی‌گزینند و خدای متعال با اشاره به وجود این نوع از رهبانیت در ادیان گذشته، آن را نفی نموده و می‌فرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ» (حدید، ۲۷). اما اسلام راه میانه را انتخاب نموده و اعتدال قوه شهوت تحت

سیطره عقل را برمی‌گزیند.

تربیت متعالی که مبتنی بر قوه عاقله و روش عقلانی است، نمی‌تواند از این فرآیند غفلت نماید و لازم است برای سیطره قوه عاقله بر قوه شهوت برنامه‌ای گام‌به‌گام تعریف نموده و در هر مرتبه از تربیت مترقی، راهکار تربیتی متناسب با آن را ارائه نماید. در اینجاست که بعد از طی منازل تربیتی، انسان متعالی کامل مکمل تربیت شده و می‌تواند راهنمای انسان‌های دیگر باشد.

۲-۵. سیطره عقل بر غضب

یکی دیگر از نعمت‌های الهی، قوه غضب است که وظیفه و مسئولیت این قوه، دفع ضرر از انسان بوده و به اعتباری، به آن نفس سبعی نیز می‌گویند که مبدأ غضب و دلیری و اقدام بر اعمال و شوق تسلط و تصرف، برتری و رسیدن به جاه بیشتر است. فایده این قوه این است که زیاده‌روی، تندروی قوای شهوی و شیطانی را درهم می‌شکند و در صورتی که در جای خود از آن استفاده گردد و افراط و تفریطی در آن صورت نپذیرد، فضیلت شجاعت از آن پدید می‌آید و اگر به شکل افراط و زیاده‌روی مورد بهره‌برداری قرار گیرد، رذیلت تهور و درنده‌خویی از آن به وجود می‌آید و اگر هیچ کارکردی نداشته باشد و در آن تفریط شود، رذیلت «جبن» از آن پدید می‌آید (نراقی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۰۳-۱۷۳).

اما همین قوه نیز دچار افراط و تفریط می‌گردد. در صورت افراط، شخص دچار خشم غیرقابل کنترل شده و انواع جنایات از او صادر می‌گردد و در صورت تفریط، فرد، دچار ترس شدید غیرعقلایی خواهد شد و از اقدام بر ضد تهدید ناتوان است. اما اندیشه اسلامی با پرهیز از افراط و تفریط، راه میانه را برگزیده و قوه شهوت را تحت سیطره عقل قرار می‌دهد. در این حالت، حد اعتدال به معنای رفتار به صورت میانگین حد شدید غضب و حد شدید ترس نیست. بلکه مراد از اعتدال، سیطره عقل بر غضب است، به این صورت که در صورت نیاز، غضب ساکت باشد و در صورت نیاز در اوج توانایی خود در برابر تهدید اقدام نماید.

با دقت در اتفاقات دنیا، به سادگی مشخص می‌گردد که قوه غضب چه نقشی در جامعه انسانی دارد. حجم وسیعی از جنگ‌ها که منجر به کشته شدن انسان‌ها می‌گردد، برخاسته از این قوه می‌باشد. در فرآیند تربیت متعالی، مترقی تحت اشراف مربی، می‌آموزد که قوه غضب را تحت سیطره ادراکات عقلی، مدیریت عقلایی نماید و در برابر تهدید نهراسیده و به او به میزان عقلایی هجوم برد و در جای دیگر بر خشم لجام زده و او را مهار نماید. حاصل این مدیریت عقلایی، کاستن از حجم منازعات در جامعه از یک‌سو و حفظ حریم و حرم جامعه در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی از سوی دیگر است.

۳-۵. سیطره عقل بر شیطنت

قوه شیطنت یک قوه اصیل نیست، بلکه متفرع بر قوه واهمه است. قوه واهمه یکی از نعمت‌های الهی است که سبب تزیین امور دنیوی و اخوری شده و به انسان انگیزه اقدام می‌دهد. در صورتی که این قوه به تزیین امور حسن پردازد، رفتار عقلایی پدید می‌آید و در صورتی که به تزیین امور قبیح پردازد، پدیده «نکرا» یا «شیطنت» ایجاد می‌گردد. چنانچه شخصی از امام صادق (ع) می‌پرسد: عقل چیست؟ امام در جواب او می‌فرماید: «عقل چیزی است که با آن خدای متعال عبادت می‌شود و بهشت به دست می‌آید». شخص با تعجب می‌پرسد: پس آن چیزی که در معاویه وجود دارد، چیست؟ امام در جواب می‌فرماید: «تِلْكَ الْكَرَاءُ تِلْكَ الشَّيْطَانَةُ وَ هِيَ شَبِيهَةٌ بِالْعَقْلِ وَ لَيْسَتْ بِالْعَقْلِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱)، یعنی آن چیزی که در معاویه وجود دارد، نیرنگ و شیطنت است. نیرنگ و شیطنت شبیه عقل است، اما عقل نیست.

از یک‌سو، وقتی که قوه واهمه تحت سیطره عقل قرار گیرد، امور حَسَن و متعالی اخروی و دنیوی را تزیین نموده و سبب شوق انسان به انجام آنها می‌گردد. در نتیجه به سوی کمالات فطری خود که حیث وجودی دارند، حرکت نموده و لحظه به لحظه روح و نفس او در جهت الهی تقویت و تربیت می‌گردد. حاصل آنکه، هرچه صفت نوریه و کمالیه الهی در انسان تقویت گردد، شوق وصال به کمال بیشتر با حیث وجودی شدیدتر نیز در انسان تقویت شده و انسان را به عبادت حق تعالی در سطوح مختلف لسانی، عملی و قلبی رهنمون می‌گردد. حاصل این عبادت نیز قرب الهی بوده و انسان را در بهشت قرب الهی قرار می‌دهد. در اینجا قوه واهمه حیث ایجابی یافته و مقدمه‌ساز تعالی و سعادت انسان می‌گردد.

از سوی دیگر، هنگامی که قوه واهمه در سیطره و مدیریت عقل قرار نگیرد، امور قبیح و دانی دنیوی را تزیین نموده و شوق انجام این امور دانی را در انسان ایجاد می‌کند. در نتیجه شیطنت پدید آمده و انسان را به سوی گناه، جرم، جنایت، فریب و نیرنگ سوق می‌دهد. در اینجا هوای نفس بر انسان غالب شده و مسیر شقاوت را برمی‌گزیند. در نتیجه از مسیر سعادت و قرب الهی دور می‌گردد.

با توجه به ماهیت تربیت متعالی، انسان به کمالات انسانی راه می‌یابد. لذا، در صورتی که قوه واهمه انسان در سیطره عقل قرار نگیرد، عملاً تربیت متعالی به هدف خود نرسیده است. از اینجاست که اهمیت عقلانیت در سطح مربی و متربی با هدف تزیین امور کمالیه و حَسَن در فرآیند تربیت متعالی دوچندان می‌گردد. در صورت سیطره عقلانیت بر قوه واهمه، متربی خواهان صفات کمالی شده و انسانی الهی با کمالاتی همانند عفت، حیاء، شجاعت، سخاوت و غیره خواهد شد.

۴-۵. تبعیت از حکمت

حکمت در لغت به معنی دانش حق است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۴۹) که بطلان‌پذیر نبوده و هیچ خلل و سستی در آن راه ندارد (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۴۰)، و در اصطلاح، حقیقت حکمت عبارت است از علم به حقایق اشیاء و امور چنانکه هستند و این متوقف بر اعتدال قوه عاقله است و به تبع آن، به دو کرانه افراطی و تغریبی پدید می‌آید (نراقی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱). برای رسیدن به حکمت باید شهوت، غضب و وهم را تربیت و اصلاح نمود و هر یک از آنان را تحت سیطره و مدیریت عقل درآورد (همان، ج ۱، ص ۱۳۷). از جمله شاخص‌های سنجش تحقق تربیت متعالی در متربی، میزان تبعیت او از حکمت است. اگر رفتار او حکیمانه بود، حکایت از تعالی تربیتی آن متربی دارد و هرچه این تبعیت بیشتر و عمیق‌تر باشد، تربیت او نیز عمیق‌تر است.

۶. نتایج عقلانیت در فرآیند تربیت متعالی

عقلانیت در فرآیند تربیت متعالی نتایجی در پی دارد که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱-۶. ایجاد شرافت عقلانی

از مجموع آیات و روایات درباره خلقت انسان و برتری انسان بر موجودات، این نشئه استفاده می‌شود. انسان به دلایل گوناگون همانند دمیده شدن روح الهی در او (حجر، ۲۹)، سجده ملائکه (بقره، ۳۴)، جانشینی خدای متعال (بقره، ۳۰)، مسخر شدن همه آسمان و زمین برای انسان و غیره (جاثیه، ۱۳)، نسبت به سایر موجودات برتری یافته است. اگرچه انسان از منظر خلقت بر همه موجودات عالم برتری دارد، اما این برتری در مرتبه فعلیت و شرافت خود، برخاسته از وجه تمایز او یعنی قدرت نطق و عقلانیت اوست. در غیر این صورت، هیچ تفاوتی بین انسان و سایر موجودات نیست.

۲-۶. گرایش به کمال

انسان ذاتاً کمال‌دوست است و هر چیزی را در حد کمال خود طلب می‌نماید. اگر به دنبال ثروت باشد، کمال ثروت را طلب می‌کند. اگر به دنبال قدرت باشد، کمال قدرت را طلب می‌کند. در اینجاست که قوه وهم با تزئین یک امر، آن را به صورت کمال مطلوب برای او زیبا می‌سازد و انسان نیز برای رسیدن به این امر تزئین شده گام برمی‌دارد. اگر قوه وهم تربیت شده و تحت سیطره عقل باشد، امور حسن را تزئین نموده و به انسان عاقل نشان می‌دهد و در غیر این صورت، امور قبیح را تزئین می‌نماید و بستر ساز شقاوت می‌گردد. لذا، اگر یک متربی تحت تربیت متعالی، فهم و ادراک عقلی یافت، قوه وهم نیز تحت اشراف قوه

عقل، امور حَسَن را به درستی شناخته و کمال حقیقی خود را درست درک می‌کند و به آن گرایش می‌یابد. کمالات حقیقی حصه وجودی داشته و به انسان سعه وجودی حقیقی می‌دهند و انسان را به درجه اشرفیت و به تبعیت آن جانشینی حق تعالی می‌رساند. هرچه یک موجود دارای حصه وجودی بیشتر باشد، شباهت و قربت او به خدای متعال نیز بیشتر است. در نتیجه خود را در قرب الهی می‌یابد.

همه انسان‌ها اوج کمال، یعنی قرب الهی را طلب می‌کنند. حتی مشرکان نیز هدف خود از پرستش بت‌ها را قرب الهی بیان نموده و خدای متعال در قرآن کریم از زبان آنان می‌فرماید: «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» (زمر، ۳)، «ما آنها (بت‌ها) را جز برای آنکه ما را هرچه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی‌پرستیم». این سخن، حکایت از فراگیر بودن این کمال مطلوب در بین مؤمن و مشرک دارد که حتی مشرکان نیز آن را از این طریق طلب می‌کنند. اما مسیر رسیدن به کمال مطلوب یعنی قرب الهی به علت تزیین قوه وهم، به انحراف رفته است. لذا، تربیت متعالی ضمن اصلاح ادراک مسیر صحیح، می‌تواند در طی مسیر نیز انسان طالب تعالی را از خطر انحراف بازدارد.

۳-۶. داعی به عدل و احسان

انسان موجودی اجتماعی بوده و از لوازم زندگی اجتماعی عدالت و احسان است. خدای متعال نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل، ۹۰). در اینجا چند نکته قابل توجه است:

۱) تفاوت عدل و احسان

اگرچه هر نوع عدلی به نوعی احسان ختم می‌گردد، اما از آنجایی که در این آیه عدل و احسان در کنار هم قرار گرفته‌اند، حکایت از تفاوت آن دو دارد. امام علی (ع) فرمودند: «فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ الْعَدْلُ الْإِنصَافُ وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۲۳)، یعنی «همانا خداوند به عدل و احسان امر می‌کند، عدل یعنی انصاف و احسان یعنی جود و بخشش». هر یک از دو صفت، صفت کمالی در زندگی اجتماعی است که هم وجاهت اجتماعی و هم سعادت را برای متری تربیت متعالی به همراه دارد.

۲) مخاطب عدل و احسان

مخاطب عدل و احسان در این آیه انسان عاقل است؛ زیرا آن کسی که عقل دارد، مورد خطاب آموزه‌های کمالی قرار گرفته و امر الهی شامل او می‌گردد. از سوی دیگر، عقل نیز داعیه‌دار عدل و احسان است و در مقابل او قوه واهمه قرار دارد که تا تحت سلطه و سیطره عقل قرار نگرفته است، گرایش به امور دانی دنیا داشته (امام خمینی، ۱۴۰۱، ص ۲۱) و امور قبیح را تزیین می‌کند.

با این بیان، هنگامی که تربیت متعالی در مرتبه تحقق یابد، عقلانیت نیز در او حکومت نموده و قوه واهمه به خدمت عقل درمی‌آید. در نتیجه او پس از ادراک عقلایی امور، به اقامه عدل و احسان در جامعه گرایش و اهتمام می‌یابد.

۴-۶. کنترل قوای واهمه، شهوت و غضب

نفس انسان در حقیقت دارای چهار قوه عقل، وهم، شهوت و غضب است و هر یک از این قوا برای زندگی بشر یک امر ضروری است. اما قوه شهوت سبب ایجاد پیوند اجتماعی و بقاء نسل انسان، قوه غضب سبب حفظ حریم و حرم جامعه انسانی و قوه وهم تزیین‌گر امور و انگیزاننده انسان برای فعل است. هر یک از این موارد اگر از حد افراط و تفریط دور شده و در مرز اعتدال قرار گیرند، نویدبخش سعادت می‌شوند. زمانی این امور از مرز افراط و تفریط دور می‌گردند که به مدیریت عقل درآیند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۸ق، ص ۴۶). به عبارتی، کنترل قوای واهمه، شهوت و غضب برعهده قوه عاقله است و این قوه نیز با تربیت متعالی از حالت قوه به فعلیت خواهد رسید.

۵-۶. ریاضت نفس

هنگامی که مشخص شد قوای سه‌گانه واهمه، غضب و شهوت تحت سیطره عقل در مسیر سعادت قرار می‌گیرند، لازم است یادآوری شود که سیطره عقل بر آنان، مستلزم ریاضت نفس است که در برخی از احادیث از آن به جهاد اکبر تعبیر شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲). در برخی از روایات نیز آمده است: «المُجاهِدُ مَنْ جَاهَدَ نَفْسَهُ» (سید رضی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۴).

۷. نتیجه‌گیری

در تربیت یک انسان عوامل گوناگونی تأثیرگذار است. برخی از این عوامل درونی و برخی نیز بیرونی می‌باشند. از مجموعه عوامل بیرونی، شرایط زندگی، خوراک، پوشاک و غیره را می‌توان نام برد. اما از عوامل درونی، قوای مختلف نفس همانند قوه عقلیه، قوه وهمیه، قوه شهویه و قوه غضبیه هستند که تربیت انسان را رقم می‌زنند. هنگامی که قوای وهمیه، غضبیه و شهویه تحت مدیریت قوه عقلیه قرار گیرد، انسان مسیر سعادت را طی خواهد نمود و ایجاد سیطره عقل بر آنان نیازمند نوعی از تربیت است که از آن به تربیت متعالیه تعبیر می‌شود که عقلانیت در همه ابعاد آن سریان دارد.

یکی از احادیث به عنوان منبع شناخت مؤلفه‌های عقلانیت در فرآیند تربیت، حدیث جنود عقل و جهل است. براساس این حدیث، عقلانیت در فرآیند تربیت متعالی دارای ویژگی‌هایی است که حاصل این

ویژگی‌ها، شرافت عقل و تجلی فعلی خدای متعال در فرآیند تربیت می‌باشد. در مقابل آن جهل قرار دارد که مهم‌ترین ویژگی آن مانعیت برای عقل در این فرآیند است. هنگامی که عقلانیت در تربیت متعالی سریان یافت، شاخص‌هایی برای سنجش دارد که اوج این شاخص‌ها حکمت‌بنیان بودن اینگونه از تربیت است و برای بشر و جامعه بشری نتایجی همانند ایجاد شرافت، گرایش به کمال، داعی عدل و احسان و در نهایت کنترل قوای واهمه، غضبیه و شهویه توسط عقل در مسیر تربیت است.

- منابع -

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۷۷). نیایش فیلسوف. مشهد: نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ابن منظور، محمد بن مکرّم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر، چاپ سوم، ج ۱۲.
- پارسا، حمید (۱۴۰۱). فلسفه و روش علوم اجتماعی. قم: بوستان کتاب.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲). ریحی مختوم. قم: اسراء، چاپ دوم، ج ۱۰.
- حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۸ق). رساله سیر و سلوک منسوب به بحر العلوم. مشهد: انتشارات نور ملکوت قرآن، چاپ هشتم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵). تقریرات فلسفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۳.
- خمینی، سید روح الله (۱۴۰۱). شرح حدیث جنود عقل و جهل. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ نوزدهم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- سجادی، سید جعفر (۱۳۷۳). فرهنگ معارف اسلامی. تهران: دانشگاه تهران، چاپ سوم، ج ۳.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۳۸۰). المجازات النبویه. تحقیق و تصحیح مهدی هوشمند. قم: دارالحدیث.
- صدرالمتألهین (۱۹۸۱م). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. بیروت: دار احیاء التراث، چاپ سوم، ج ۸.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین، ج ۲.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرائع. قم: کتابفروشی داوری، ج ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۴۲۲ق). نهاییه الحکمة. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ شانزدهم.
- قائمی نیا، علیرضا (۱۳۸۳). چیستی عقلانیت. ذهن، شماره ۱۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیه). تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ج ۱، ۵.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۱۷ق). المنطق. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ هفتم.
- معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: آدنا، چاپ چهارم، ج ۱.
- نراقی، مهدی (۱۳۹۳). گزیده کتاب جامع السعادات. ترجمه سید جلال الدین مجتوبی. تهران: حکمت، چاپ دوم، ج ۱.
- هاشمی دولابی، قدسیه سادات؛ رجائی، عباس (۱۳۹۹). تعالی تربیت: غایت منظومه تعلیم و تربیت در اسلام. در: کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی.
- یزدانپناه، سید یدالله (۱۳۸۹). حکمت اشراق. تحقیق و نگارش مهدی علی پور. تهران: سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

العقلانية المسرية على التربية المتعالية في حديث "جنود العقل والجهل"

السيد امير سخاوتيان

أستاذ مساعد في كلية العلوم الإنسانية، فرع قم، الجامعة الإسلامية الحرة، قم، ايران. sekhavatian@bou.ac.ir

الخلاصة

الهدف الذي يكمن في القيام بهذه الدراسة يعود الى أمر دراسة موضوع العقلانية الجارية في مسألة التربية المتعالية في حديث "جنود العقل والجهل"، وقد كانت المنهجية والاسلوب المتبع في كتابة هذا التحقيق هو الأسلوب الوصفي – التحليلي والنتائج الحاصلة اظهرت وطبقاً لهذا الحديث بان العقلانية لها في عملية التربية المتعالية خصائص وحاصلها هو شرف العقل والتجلي الفعلي لله تعالى في عملية التربية وبالطبع فإن في مقابل ذلك هو الجهل حيث إن أهم خصلة يحملها هي عرقلة العقل في هذا العملية وإيجاد الموانع في تحصيله. ولاشك فإنه حينما توجد العقلانية في التربية السامية والمتعالية، فإن لها مؤشرات للقياس، وذروة هذه المؤشرات هي حكمة هذا النوع من التربية، وتترتب عليها نتائج واقعية بالنسبة للإنسان والمجتمع الإنساني من قبيل ايجاد الشرافة والإتجاه صوب الكمال والدعوة للعدل والإحسان وفي نهاية المطاف السيطرة على القوى الخيالية والوهمية والشهوانية بواسطة العقل في مسير التربية.

المصطلحات المحورية: التربية السامية والمتعالية، العقلانية، العقل، الجهل، حديث جنود العقل والجهل.

Transcendental Education Rationality in the Hadith of "Soldiers of Wisdom and Ignorance"¹

Seyyed Amir Sekhavatian

Assistant professor of the Department of Education, Faculty of Humanities, Qom Branch,
Islamic Azad University, Qom, Iran. sekhavatian@bou.ac.ir

Abstract

The purpose of the present study is to review rationality of transcendental education in the Hadith of "soldiers of wisdom and ignorance". The research method is descriptive-analytic and the results showed that based on the Hadith of soldiers of wisdom and ignorance, rationality in the process of transcendental education has some features which result in the honor of wisdom and actual manifestation of Almighty God in the educational process. On the other hand, ignorance specifically opposes wisdom in this procedure. When rationality spreads through transcendental education, it is of some criteria for assessment. The most significant one is that transcendental education is wisdom-oriented and brings some results for humankind and society such as honor, perfection, justice, beneficence, and ultimately controls fear, anger, and lust by wisdom in the path of education.

Keywords: Transcendental Education, Rationality, Wisdom, Ignorance, Hadith of Soldiers of Wisdom and Ignorance.

1. **Received:** 2022/11/10 ; **Revision:** 2022/12/30 ; **Accepted:** 2023/01/01 ; **Published online:** 2023/01/05

© the authors

Publisher: Teacher-Propagator Training Center of Seminaries

